



تداوم تغییرات در جریان های اسلامگرا

سلفیست ها برضد اخوان المسلمین

نویسنده

Francois BURGAT

برگردان: بهروز عارفی

اصلي ترين شکل ابراز اسلاميسم (اسلام گرائي) در دهه هاي اخير در جهان عرب و همچنين در اروپا، اخوان المسلمین بودند. سلفیست ها که خواهان بازگشت به منشاء اسلام اند، با آنان رقابت می کنند. اما این «بازگشت به قرآن» مدعیان این رویه آنها را در مقابل انشعاب حفاظت نمی کند، بویژه از آنرو که مجبورند خود را با امیال مسلمانان جهان کنونی تطبیق دهند.



از سال های دهه ۱۹۷۰، سه گرایش مذهبی، صحنه سیاسی کشورهای عربی را آرایش داده است: صوفی ها معمولا به رژیم های موجود رای می دادند، اخوان المسلمین اغلب به دادن رای مخالف فرا می خواندند، در حالی که سلفی ها انتخابات را عامل تفرقه بین جماعت قلمداد کرده از صندوق های رای دوری می کردند. (به مقاله ضمیمه: گنگی واژه ها مراجعه کنید).

با این همه، این وضعیت تحول می یافت: در حالی که برخی دست کم در میان سلفی ها (از جمله در عربستان سعودی در انتخابات شهری در ۲۰۰۵) راه انتخابات را در پیش می گیرند، صوفی ها در عراق و پاکستان به مخالفین پیوسته و حتی به مخالفت مسلحانه بر می خیزند. یادآوری کنیم که اخوان المسلمین، جنبشی که حسن البنا در سال ۱۹۲۸ در مصر بنیاد گذاشت، بسیج و تشکیل نیروهای انتخاباتی را در پیش گرفته و بتدریج به تداوم تلاش در چارچوب پارلمانی پایبند شده و از این بعد قادرند اکثریت را در این راه بسیج کنند.

نسل اخوان المسلمین که در زمینه سیاسی به نخستین چرخه واکنشی «اسلامیست (اسلامگرا)» های معاصر عینیت بخشیدند، و هنوز هم، بویژه در فلسطین، مصر و کشورهای مغرب جایگاه مرکزی در طیف مخالفان را بخود اختصاص می دهند، بیش از پیش با رقابت «سلفیست» ها مواجه اند (۱). در میان خطوط مشترکی که آن ها را به «سلفیسم» پیوند می

زند، آن چه کمتر از همه اعتراض برانگیز است، نیاز مشترک اهترازاز میراث «اخوان المسلمین» است.

پایان انحصار اعتراض

اصول اعتقادی این اسلامیت‌های بسیج شده «نو پا»، تازگی ندارد، گر چه ممکن است نوع بیان آن در دل جهان عرب یا جوامع غربی محل سکونت شان با هم اختلاف داشته باشد. نادرست است که سلفیست‌ها را نسلی تصور کنیم که جانشین اخوان المسلمین، جنبه نجات اسلامی الجزایر یا «عدل والاحسان» مراکشی شده‌اند. در واقع، سلفیست‌ها پیش از اخوان المسلمین نیز در مصر و عربستان سعودی وجود داشتند (۲). بدون تردید، اخوان المسلمین با متمایز کردن خود از «بدنه» اسلامیتی در سال‌های دهه ۱۹۳۰ و قدرت بسیج توانست رقبای سلفیست خود را تا سال‌های دهه ۱۹۹۰ از نقطه نظر محبوبیت و حضور سیاسی تحت الشعاع قرار دهد.

برای رسیدن تا آستانه قدرت، اخوان المسلمین به نوآوری و اجرای تحول ژرف مکتبی دست زدند، و در این راه با استفاده از مراجع بیگانه، قرائتی دقیق از تفکر اسلامی کلاسیک بدست دادند که شامل قانون اساسی، و به تدریج دموکراسی نیز می‌شود. قابل پیش‌بینی بود که این تحولات تنش و انشعابات درونی بیار آورده و از این رو راه را برای گونه‌های دیگر اعتراضی باز بگذارد. اخوان المسلمین هر چه بیشتر در زمینه قانون‌طلبی پیش می‌رفت، به همان اندازه با واکنش سلفیست‌ها مواجه می‌شد، سلفیست‌هایی که «مدرنیزاسیون» آن‌ها را نوعی «توافق» تلقی کرده و مورد نکوهش قرار می‌دادند.

از دیدگاه سلفیست‌ها، حداکثر اعتباری که می‌توان برای نسل رو به پیری اخوان المسلمین قائل شد، این است که توانست دوباره به رژیم‌های مورد اعتراض شان (مصر و سوریه و غیره) که به لائیک بودن شهرت داشتند، نوعی اسلام‌گرایی نمادین را تحمیل کند. امری که امکان داد میزان نفوذ اجتماعی جریان موسوم به «مذهبی» در این منطقه از جهان نمایان شود: تقریباً تمامی این رژیم‌ها خواست‌های اجتماعی این جریان‌ها را از آن خود کرده و مطرح کردند، البته بشرطی که زیاد افراطی نباشد و از جمله در مورد مقوله سانسور.

سلفیست‌ها به سادگی انحصار روش اعتراضی اخوان المسلمین را تهدیدی تلقی کردند بویژه که تا آن زمان، استراتژی «طرفدار اخوان المسلمین» در رودروئی با ائتلاف اعراب مستبد و «جامعه بین‌المللی» ثمری بیارنیاورده بود. اما، ایمان الظواهری، نظریه پرداز القاعده با افشای کوتاه آمدن اخوان المسلمین در مقابل لائیسیت و «دموکراسی»، بصورت متناقضی بهتر از هر کسی نشان می‌دهد که اخوان المسلمین محور نوعی «مدرنیزاسیون» تفکر سیاسی جوامع خود شده‌اند - یا به هر حال تغییراتی که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی با اقبال بیشتری نسبت به تلاش‌های نخبگان لائیک روبرو شده است.

یکی از دلایل گسست سلفیست‌ها از سنت «اخوان المسلمینی» بخاطر رد برخی از مفاهیم سیاسی غربی است که اخوان المسلمین آن‌ها را «اسلامی» کرده‌اند. از جمله این برداشت‌ها ایجاد حزب یا ساختار تشکیلاتی، شرکت در انتخابات و راه‌یابی زنان به فضای سیاسی یا حرفه‌ای است. (۳)

سلفیست‌ها براهمیت منابع ابتدائی یعنی قرآن و سنت پیامبراسلام پافشاری می‌کنند. (۴) ولی آنان تمایل دارند با «دانش و تجربه مکتب حقوقی سنی» (حنفی‌ها، مالکی‌ها، حنبلی‌ها و شافعی‌ها ...) در «زمینه الهیات» بریده و در نتیجه بجای ممنوع ساختن تفسیری که به معیارهای مذهبی جنبه اجتماعی و سیاسی مشخص می‌بخشد، حق تعیین و حتی ادعای انحصار آن را برای خود قائل شوند. (۵) سلفیست‌ها برای تأکید بر وحدانیت الهی هر گونه

تقدیس میانجی گری بشر میان آفریدگار و مخلوق رانکوهش می کنند و آن را «رقابت» مسخره انسان با خدا می دانند. مراجعه دائمی به حدیث های مفصل پیغمبر که بدیده آنان در برگزیده همه آنچه‌هایی است برای روشن ساختن ذهن مومنان در مورد درک وحی ضروری است، برای مصون داشتن وحی از تفسیرهای احتمالی و دخالت بین آن و خدا انجام می پذیرد. در نتیجه، پرستش مقدس ها، تکریم شیوخ صوفی یا حتی امام های شیعه که مشهور به معصومیت اند، و همینطور احترام به عالمان مفسر {قران} «که صدای خود را با صدای خدا در هم می آمیزند» به عنوان آسیب به اصل اساسی وحدانیت خدا قابل نکوهش است.

به علاوه، جنبش سلفیستی در میان گروه های موسوم به اهل «تقوی» و یا «متوکل» (۶) بصورت بارزی گسترش می یابد. اینان اطاعت از هر دولتی را توصیه می کنند، حتی دولت «فاسد و مستبد» را، بشرطی که بر اسلامی بودن خود تأکید کند هدف جلوگیری از توسعه بدترین صدمات یعنی «فتنه» و خلل در اتحاد جمعیت های مومنان است. بدین ترتیب، بنا بر خواست علمای نزدیک به رژیم سعودی، شمار زیادی از سلفیست ها با عاری کردن دیانت شان از حرکات اعتراضی، خود را از اخوان المسلمین متمایز می کنند. سلفیست ها، که از یمن تا مصر و مراکش، در بیشتر زمینه ها کمتر از اخوان المسلمین نوظلب اند، بصورت متناقضی توانستند التفات های رژیم های مشهور به نوگرا را جلب کنند. این رژیم ها خویشتن داری انتخاباتی سلفیست ها را بمنزله ابزاری برای تضعیف مخالفانشان تلقی می کنند.

اخوان المسلمین در نقش بازدارنده

سلفیست ها هنگامی که در برخی کشورهای عربی با سرکوب و یا در غرب با بدنامی اجتماعی و مذهبی مواجه می شوند، به سهم خود در اعزام داوطلبان جهاد طلب برای درگیر شدن مستقیم علیه نخبگان ملی گرا یا اربابان نظم جهانی شرکت می کنند. نظیر سید قطب، نظریه پرداز مصری (۷) که در سال های دهه ۱۹۶۰، به نظریه های اخوان المسلمین شدت بخشید. بدین ترتیب، در عربستان سعودی، مصر و همچنین در میان جمعیت مقیم اروپا، شاخه اهل «تقوی» به جریان هائی مانند جناح جهیمان ابن محمد العتیبی عامل حمله به مسجد اعظم مکه در سال ۱۹۷۹ (۸) یا مکتب جهادی قطب و دکتر الطواهری پیوست.

سلفیست ها با این که اعلام هر تفسیر «جدید» را رد می کنند، از پویائی تغییر برکنار نیستند. رابطه اردوگاه سلفیست با سیاست (مانند بینش آن ها نسبت به نقش زنان و ممنوعیت اکید اختلاط زنان و مردان) بصورتی طبیعی چنان کثرت گراست که بر خلاف اخوان المسلمین دارای همگونی تشکیلاتی نیست. و هم تراز اخوان المسلمین، تصدیق مجدد لرزان آنان بر لزوم بازگشت به منابع پالیده از هر واسطه انسانی، پاسخ جزمی تک معنا نمی دهد. مانند اخوان المسلمین، قرائت سلفیست ها از قرآن دارای هیچ ضمانتی برای جلوگیری از تفاسیر گوناگون نیست. و هنگامی که مکانیک تولیدی تفسیر کتاب آسمانی بکار می افتد، بیش از دیگران مومنان را نسبت به نفوذ قدرت های گذرا مصون نگه نمی‌دارد.

بدین ترتیب، گروه هائی که اشکارا با اخوان المسلمین مرزبندی کرده اند، از تحولی حمایت می کنند که طرفداران البناء در دوره خود بوجود آورده اند و از جمله شامل شرکت در انتخابات می شد. در یمن نظیر عربستان سعودی یا کویت، سلفیست ها در انتخابات نامزد اعلام می کنند. (۹) و این «نوآوری» که به عنوان «شر» می مورد نکوهش واقع می شد که محکومیت اخوان را توجیه می کرد، از این پس بمنزله منش اعضای این جریان تلقی می شود. در دوره رشد سلفیست ها در سال های دهه ۲۰۰۰، اخوان المسلمین «نو آور» بنوعی نقش بازدارنده را بازی می کردند که خود در گذشته ایفای همین نقش را به نخبگان «غرب زده» واگذار کرده بودند که علیه شان مبارزه می کردند. در حالی که در درون اجتماع، اخوان المسلمین حق در هم آمیختن بیشتر را طلب می کنند، سلفیست ها بر عکس، به شکستی که به مریدان البناء نسبت می دهند و عدم پذیرش دائمی که خود را قربانی اش می دانند، با گفتار و کردار ضد

طرد پاسخ می دهند. بدین منوال، موج سلفیستی بیشتر در تداوم استقرار می یابد تا در جریان تغییرات.

این تداوم، حتی در وضعیت نمادینی که نگاه رسانه ای غرب به او می دهد، تجلی می یابد. یعنی طیف سلفیست امکان می دهد تا مکانیسم تقییحی که در سال های دهه ۱۹۷۰ هنگام نخستین یورش اسلامی عمل می کرد را دوباره بکار بیاندازد و از این رو از او در مقابل هر بررسی رسانه ای و هر گونه مدیریت سیاسی عقلانی حفاظت کند.

پاورقی ها: ۱ - به کتاب زیر مراجعه کنید ، Bernard Rougier, *Qu'est-ce que le salafisme ?*, Presse universitaires de France, 2009.

۲ - در سال ۱۹۲۶ یعنی دو سال قبل از تشکیل اخوان المسلمین در قاهره، جمعیت انصار السنی ایجاد شد و در سال ۱۹۳۱ شیخ ابن بدیس انجمن علمای الجزایر را تاسیس کرد.

۳ - به مقاله زیر مراجعه کنید « Les salafis au Yémen ou ... la modernisation malgré tout », Chroniques yéménites, n° 10, Sanaa, 2002.

۴ - منظور عمل، گفتار و کردار پیغمبر و همراهان او ست.

۵ - به صفحه ۱۹ کتاب برنار روژی، بند ۱ مراجعه کنید.

۶ - به کتاب ژیل کپل با مشخصات زیر مراجعه کنید Gilles Kepel, *Jihad. Expansion et déclin de l'islamisme*, Gallimard, Paris, 2000.

۷ - رهبر اخوان المسلمین که بدست رژیم جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر زندانی و در سال ۱۹۶۶ اعدام شدند. او الهام بخش تندروترین گروه ها شد.

۸ - در روز ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹، یک گروه دویست نفری از اسلام گریایان به مسجد الحرام مکه یورش برده و دو هفته ان مکان را در اشغال خود نگهداشتند و سرانجام از طریق نظامی و با کمک ژاندارم های فرانسوی سرکوب شدند.

۹ - Pascal Ménoret, « Le cheikh, l'électeur et le SMS. Logiques électorales et mobilisation islamique en Arabie saoudite », Transcontinentales, n° 1, Paris, 2é semestre 2005.

لوموند